

عنوان مقاله:

مواجهه با دیگری: موفه یا هابرماس

محل انتشار:

دو فصلنامه پژوهش سیاست نظری، دوره 15، شماره 29 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 36

نویسنده:

گیتی پورزکی - استادیار گروه اندیشه سیاسی در اسلام، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، ایران

خلاصه مقاله:

از آواخر قرن نوزدهم، هویت خودبنیاد و سوژه استعلایی دکارتی با انتقادهای جدی از سوی متفکران مواجه شد و ضرورت وجود دیگری در شکل گیری هویت و مدلول یابی «خود» مورد توجه و تأکید متفکران قرار گرفت. شانتال موفه با رویکرد پسامارکسیستی و یورگن هابرماس با رویکردی دموکراتیک و با وجود تفاوت های جدی با یکدیگر، از مهم ترین و تأثیرگذارترین منابع اندیشه ورزی در حیطه هویت و تشخیص هستند. این مقاله می کوشد تا اندیشه های این دو متفکر را از منظر مواجهه با دیگری مورد خوانش قرار داده. با ذکر نقاط ضعف قوت و پیامدهای اندیشه های آنها نشان دهد که کدام یک از آنها بر مبنای استدلال های عقلانی موجه تر و عقلانی تر است. فرضیه اصلی مقاله آن است که دیگرفهمی متاملانه هابرماسی به لحاظ منطق درونی و توان پاسخگویی به نقدهای بیرونی نسبت به اصل تضاد و عقلانیت گفتمانی مورد نظر موفه، موجه تر و عقلانی تر است. روش پژوهش، تحلیلی و از سنخ تحلیل فلسفی است. از این رو معیار موجه تر و عقلانی تر بودن بر مبنای عدم تناقض درونی داده ها، مغالطه آمیز نبودن آنها و سازگاری با داده های واقعی است.

کلمات کلیدی:

شانتال موفه، یورگن هابرماس، مواجهه با دیگری، دیگرفهمی متاملانه، آگونیسیم

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1700963>

